

در صفحه ۱۲ بخوانید...

■ پاسخ جانانه | اثری از کتاب زندگینامه باوکا وایاما

■ یک بیمارستان هم برای مقابله با خطر احتمالی ایولا نداریم

و...



همه را با معطالی از:  
بیژن عبدالکریمی، یحیی بثری، ثریا  
اسماعیلی، اصغر مهاجری، شهریانو  
امانی، محمد ادیبزاد و...

روایت هایی درباره ما و «فضای زندگی» امروز

## کجا ایستاده ایم

در صفحه ۱۱ بخوانید...

یادنامه مهندس کریم ساعی  
پدر جنگلیانی ایران

### مرد چنار و کاج



گزارش

آنچه به جایی نرسد  
فریاد است

یادداشت

«ساعی» دیگری  
نیاز داریم

یادداشتی از  
محمدرضا مری مهاجر

گفت و گو

گفت و گو با اولین زن  
فارغ التحصیل در رشته  
جنگل و مرتع

حال جنگل های ایران  
خوب نیست

با یادداشتی عملیاتی،  
مثلا ایده های مهندس  
ساعی نیاز داریم

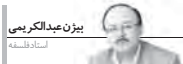


## هنوز یاد نگرفته ایم دوست داشتن را

بیاید عبور از  
خودخواهی را  
بیاموزیم

داود رشیدی  
از گذشته و امروز خود  
و جامعه ایرانی می گوید

## فضای پایان انسان در شکل انسان



بیژن عبدالکریمی  
استاد فلسفه

به منزله یک افسانه به واقعیت سیال و فهم ناپذیر  
چنان تلقی می شوند.  
روزی دود، فقدان امنیت، تنویر یک است، بشر  
روزگار م با فروپاشی همه نظام های ادیبشگی،  
بی چارگی و بی مأا شده و هیچ تکیه گاهی ندارد.  
لذا امنیت وجود شناختی «خود را از دست  
داده است. امروز مهم ترین وصف روزگار کنونی  
نهیست است که به عنوان فقدان وجود یک بنیاد  
معناش و فقدان وجود یک اصل استعلائی در  
جهان به یکی از مهم ترین عناصر نظری و فلسفی  
ما تبدیل شده است. به دنبال این نهیلیسم، مرگ  
بنیاد، مرگ امر مطلق، مرگ بنیاد ارزش ها، مرگ  
حقیقت، مرگ اخلاق و به دنبال همه اینها مرگ  
آسان را شاهد هستیم.

موجود می پردازد در واقع تمام تلاشش حفظ  
وضع موجود است. نه گذشته دارد و نه آینده.  
نتیجه هم این می شود که زمان حال به نحو کامل  
سیطره پیدا می کند و روزمرگی و زندگی روزمره  
به یک امر متافیزیکی تبدیل شده است. اکثر  
فرب به اتفاق بشر اسیر روزمرگی است و برای  
اراضی نیازهای روزمره تلاش می کند در حالی که  
هیچ اصل بنیادین و متعالی به زندگی او سمت  
و سوس نمی دهد. در چنین شرایطی مسائل ما  
صرفا پزای مسائل روزمره مثل ترافیک، گرانی،  
لودگی هوا، بحران های اقتصادی و سیاسی یا  
حتی بحران های آموزشی و فرهنگی نیست. به  
اعتقاد من در روزگار کنونی ما با خطر مرگ انسان  
یا به بیان بهتر با خطر مرگ انسان به حیوان مواجه  
هستیم.

روزگار ما روزگاری است که حقیقت به عنوان  
امر متعالی و قدسی از زندگی رخت برسته؛  
حقیقت امری انسانی شده به این معنا که حقیقت  
به حاصل انکشاف یک امر قدسی و متعالی بلکه  
به منزله امری حاصل تولید و جعل انسان تلقی  
می شود. بشر رابطه خود را با میراث تاریخی از  
دست داده و هیچ اتوپیایی هم ندارد وقتی به وضع

## نآرامی در فضای آلوده به تبعیض



یحیی بثری  
استاد فلسفه و ادبیات اسلامی

شهلیون بول خردش باشد. این تبعیض ها زندگی  
مردم را ناآرام کرده است. امروز در انگلیس، آمریکا  
و آلمان، ۹۰ درصد مردم زندگی مشابهی دارند اما  
یک عده ای هم هستند که  
مثلا کنشی تفریحی دارند یا  
فوتبالیست های کمپلیاردها  
دلار حقوق می گیرند. اما این  
طبقه غیر عادی دیگر وارد این  
اکثریت ۹۰ درصد نمی شود.  
حتی یک کارگر آفریقایی هم  
اگر به آن جابز در حد مردم  
عادی همان کشور می تواند  
زندگی خود را بگذراند.  
در جامعه ما یک عامل  
بزرگی که باعث به هم ریختن  
روان مردم و ناآرامی شدن جامعه  
فقر و اعتیاد و زان شدن تبعیض در همه محیط های  
است. عامل دیگری هم که دل ها را آفتاب  
وفعی زندگی امروز را ناآرام می کند، بسط تبعیض

به هم چسبیده است. حتی گروستان ها هم امروز  
در جامعه ما طبقاتی شده است. در گورستانی  
که نام بهشت زاده (را) دارد، هم قبر چند صد  
میلیون دلاریم و هم قبر  
۲۰۰ هزار تومانیم. مرمی که  
عزیزان را در آغوش می گیرد  
که اسفالت نشده و سقف  
ندارد خاک می کنند. احساس  
نازحتی می کنند. همین طور  
در نظام آموزش و پرورش ما  
نیز تبعیض دیده می شود.  
بچه ای که خانواده متوسط  
دارد از همه امکانات آموزشی و  
کمک آموزشی برخوردار می شود.  
ولی بچه دیگری حتی نمیکت  
درست و حسابی در کلاس  
درش نیست. این دو عامل

هیچ کس خود را به منزله یک ایرانی، غرب  
یا آسیایی نمی بیند. هر جا بیشتر به خدمات  
اجتماعی دست پیدا کند به آن جا مهاجرت  
می کند. مفهوم ملت به عنوان یک عنصر  
هویت بخشی رخت برسته، همبستگی اجتماعی  
کم شده، روابط مجاری شده و به فضاهای  
مجاری کشیده شده است. ایمان به فرد برای  
اصلاح حیات اجتماعی تضعیف شده و نیروی  
رهایی بخشی برای مبارزه با وضع موجود وجود  
ندارد. حتی نیروهایی که قرار است با این وضع  
مقاربت کنند خود به نیروهایی برای حفظ شرایط  
فعلی تبدیل شده اند. مرگ اتوپیا مخالفت با  
مفهوم ستیزه و پایان یافتن عصر انقلاب است.  
روزگار ما سیستم ها به شدت در فراسر کرده اند.  
از سویی نیاز انسان ها به پهرمندی از  
تهد به جامعه به امر اقتصادی و پهرمندی از  
جهان تنزل پیدا کرده است. رسانه ها جهانی  
مجمول و غیر واقعی را برای انسان ها شکل  
می دهند و خلاصه این که اخلاق درگی و  
احساس از خود بیگانگی میان افراد جوامع به  
شدت رشد پیدا کرده است.

عامل دیگری که در فضای زندگی امروز خیلی  
در آوازه است، به نظر من فساد است. در فضای  
ناظر از زندگی، فساد خیلی زیاد شده است. دست  
اگر یک نظام غیر ارزشی مثل کره شمالی و کوبا  
بود شاید گسترش فساد در آن ای قدر در آوازه  
نشد. اما در فضای زندگی، رواج فساد از خیلی  
ناظر از زندگی، فساد خیلی زیاد شده است. دست  
اگر یک نظام فساد جوامع امروز از نظر روزگاری ناآرام  
کرده است.  
رهایی از آن سخت است ولی ناممكن نیست.  
این تبعیض های گسترده و فضاهای مالی مثل  
مشکلات را باید مسئولان درک کنند و اقدامات  
عملی در راستای رفع آن صورت گیرد. با این حال  
امروز مسئولان ما هم مثل مسئول ها حرف  
می زنند و می گویند این مشکل را داریم و باید این  
و آن اتفاق افتاد. غافل از این که باید با هوای ناآرام  
دست خودشان است.

## فضای شهری زندگی و گذار به تیرگی

ثریا اسماعیلی | آرشیوت و طرح

ایران طی ادوار مختلف دارای هنر معماری  
مثال زدنی بوده که آمیخته با فرهنگی ملی  
و دینی سالست. این معماری در جهان  
تحت عنوان معماری ایرانی - اسلامی شناخته  
می شود. امروزه با پیشرفت علم معماری و  
توسعه شهرسازی در سراسر جهان، شاید  
این گونه به نظر برسد که معماری ایرانی -  
اسلامی به فراموشی سپرده شده است. اما  
بزرگترین معماران و طراحان جهان هنوز  
هم از سبک های متنوع و مختلف این شیوه  
استفاده کرده و الهام های بسیاری می گیرند.  
امروزه بسیاری از مجلات، سایت ها و رسانه های  
رنگی در شهرسازی و همچنین طراحی داخلی،  
نوعی سرخوردگی و افسردگی را نشان می دهد  
که شاید در زندگی روزمره نسل امروز بتوان  
از آن نشانه های زیادی یافت. اگر به فرهنگ  
رنگ ها در هنر معماری و نقاشی توجه کنیم،  
درمی یابیم که رنگ های  
شاد، به نوعی آرامش بخش  
و خنک تر است و افسردگی  
بهشمار می آیند و در  
مقابل رنگ های تیره  
و حتی رنگ آمیزی  
بکثرت و بدون تنوع  
نیز چنین آسیب هایی  
را به همراه دارد. سبک  
شهرسازی و معماری  
امروز ما موجب شده که  
فضای زندگی برای نسل  
امروز فضای جاذب،  
ناظرآور، سرزند و با روح

علت اصلی این است که  
سبک معماری و طراحی  
داخلی و خارجی ما به سمت  
تیره شدن می رود. تیرگی  
و همچنین یک نواختی،  
آسب های روحی و ذهنی  
بسیاری را به همراه دارد.  
برخی می گویند که از ابتدای به  
این سبک ها رایش بیشتر  
دارند

خود آلوده اخیر ساخته  
شده اند. این سبک معماری الهام گرفته اند.  
حتی در طراحی داخلی و دکوراسیون نیز  
سمت تیره شدن می رود و تیرگی و همچنین  
یک نواختی، آسیب های روحی و ذهنی بسیاری  
را به همراه دارد.  
برخی می گویند که ایرانیان به این سبک ها  
معماری تیره دارند که در بافت پراکند و پراکنده  
فرستی، حتی گدگ و کوته بر دل کندن از  
زندگی پراکنده و پراکنده کرده و به دامان طبیعت  
بنام می برند؟ علت اصلی این است که فضای  
زندگی از نظر سخت افزاری برای آنها ناآرام  
و راحت نیست و به همین دلیل به طبیعت پناه  
می برند.